

مزدوری به امپریالیست های اشغالگر تحت نام "حقوق بشر"

فصل دوم

"حقوق بشر" یا یکی از نرم ابزارهای اشغالگری

طوری که در فصل اول اشاره شد "حقوق بشر" سیاست امپریالیزم است. امپریالیزم در کشورهای تحت اشغال به دو شکل عمل میکند. شکل اول شکل اشغالگری نظامی-سیاسی است. در این شکل امپریالیزم بانبروی نظامی اشواردیک کشور شده و آنرا اشغال میکند (افغانستان و عراق) و برای اداره امور و "رسمی ساختن" غارت آن یک حکومت نمایشی را از مزدوران قابل اعتمادشان به وجود می آورد. و این حکومت را برای سرکوب مقاومت مردم آنسرزمین بایک ارتش مزدور، یک دستگاه ژاندارم و پولیس مخفی عریض و طویل و یک نظام قضائی فاسدمجهز میسازد. اما این شکل نمیتواند فکر مردم را تغییر، قلب آنها را فتح و آرای شان را در جهت قبول بردگی اشغالگران سمت و سوبدهد. اکنون می بینیم که این شکل هم در عراق ناکم است و هم در افغانستان. و تلاش آنها با این ابزارها نتوانسته در طی تقریباً یک دهه سلطه امپریالیزم را برای مردم قابل پذیرش سازد. برای بدست آوردن قلب و سمت و سودادن آرای مردم امپریالیزم از "شکل نرم اشغالگری" استفاده میکند. شکل نرم اشغالگری اینست که آنها به فریب و اغوای مردم دست میزنند و با امکانات رسمی و غیررسمی صوری و صوتی، رسانه ای و الکترونی شان یک کارزار گسترده ایدئولوژیک را بر راه می اندازند. ده هائوع تشکل و سازمان را ایجاد میکنند که از شورای ملی گرفته تا حقوق بشر گسترش می یابد. در هر موردی "انجو" میسازند و مردم را به وابستگی خود تبدیل میکنند. تشکلهاب (ی) سیاسی و غیر سیاسی هم تجاوز و اشغالگری امپریالیست ها را توجیه میکنند و هم توجه مردم را از وضعیت اسارت مملکت منحرف میسازند و ادامه اشغالگری را تضمین میکنند. به این قسم از "حقوق بشر" امپریالیستی گرفته تاخیمه شب بازی "جنبش مدنی"، "آزادی زنان" و دموکراسی و انتخابات آزاد" و... غیره مانند ارتش و پولیس مزدور شکل دیگر اشغالگری اند.

آزادی زنان را در نظر بگیریم، در نظام سرماییداری زن عملاً کالای قابل خرید و فروش است و بمقیاس هزاران بار وسیعتر از جامعه فئودالی خرید و فروش میشود. در جامعه سرماییداری معامله بر سر بدن زن در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی توسعه یافته و آنچه زن در جامعه سرماییداری بطور عمده آزاد است، آزادی فروش بدنش میباشد. نظام سیاسی-تاریخی ای که خود زن را بیشتر از تمام طول عمر بشر تحت ستم قرار داده، به فحشاکشانیده و بدنش را به کالا تبدیل کرده چطور میتواند بر خلاف آن در افغانستان و عراق عمل کند؟

به افرادی توجه کنید که مدعی دفاع از "حقوق بشر" میشوند. ماعده ای از این افراد در داخل و خارج از افغانستان خیلی خوب میشناسیم، برخی از آنها یک زمان شعله ای بودند و در همه جا حرف های بلندبالا و بزرگی میزدند (و برخی تا هنوز مدعی اند که شعله ای هستند) و به اصطلاح از "منافع خلق" و آزادی و استقلال دفاع میکردند. اما مجردیکه امپریالیست های اشغالگر برای شان زمینه مزدوری را مهیا ساختند، آنها بر منافع خلق، استقلال میهن و رهائی مردم تمام محتویات شکم شان را ریختند و همه ارزش های فرهنگی و ملی را انثار قدوم امپریالیزم ساختند. بعضی از آنها حتی مدعی اند که "اگر فلان و بهمان فرد (یکی از انقلابیون بزرگ افغانستان) امروز زنده می بود و اونیز همین کار را میکرد که من میکنم" یعنی 180 درجه چرخ میزد و به نفع امپریالیست های غارتگری رقصید. ما نمیدانیم که چنین

میشد یانه زیرانه بملوحی نازل میشودونه مامیتوانیم بامرده هاتماس بگیریم وبا آنها حرف بزنیم ، اما بطور یقین میدانیم که اگر آنها نیز مانند این افراد به سیاهی لشکر اشغالگری نرم امپریالیزم تبدیل میشدند، خلق مابدون هیچ شکی آنها را در همان زباله دان می انداختند که در انتظار اینها بادهان باز ایستاده اند. به اینصورت می بینیم که امپریالیست های اشغالگر در جبهه جنگ نرم شان بدلیل بی ایمانی روشنفکران تسلیم طلب موفق تر از جبهات دیگر میباشند.

"حقوق بشر" یا "ب ریختن بر آتش حق طلبی مظلومین"

سازمانها و افراد تسلیم طلب باهای وهوی براه انداختن "دفاع از حقوق بشر!" خشم انقلابی خلق آزادیخواه افغانستان را به "دادخواهی" متضرعانه تبدیل میکنند. آنها سفسطه گوئی میکنند که "متمدنانه حقوق نقض شده بشر" را میطلبیم!" و "لازم نیست که در همه جاسیاست کرد!"، "مایک تشکل سیاسی نیستیم بلکه مدنی وبشردوست میباشیم!" و... غیره.

به اینطریق آنها نیروهای پتانسیل انقلاب را میزدند و توجه مردم را از قیام وعصیان انقلابی منصرف می سازند، عطش آنها را برای انقلاب وعدالت درسراب "حقوق بشر" سرگردان میسازند. در نهایت امر کارزار آنها در جهت حفظ دنیای کنونی است که در آن امپریالیزم سکان زندگی بشریت را در دست دارد. آنها میدانند که امپریالیزم سرمایدار در قبال منافعش هیچ قانونی را احترام نمیگذارد چه رسد به قوانین "مدنی". تاریخ نشان میدهد که منافع اقتصادی وسیاسی امپریالیزم همیشه بر "مدنیت گرایی" آن فرمان داده است.

وقتی آدم سفسطه گوئی های تسلیم طلبان را در مورد فعالیت شان زیر نام "حقوق بشر!" میشنود جای دارد از آنها بپرسد که آیا تجاوز بر اطفال به واسطه سربازان اشغالگر "متمدنانه" است؟ و آیا شما گاهی علیه آن در "گفتمان" تان چیزی نوشته اید؟ آنها نیمه شب به خانه دهقانان مظلوم افغانستان می درآیند، زنان ودختران آنها را عریان نموده تلاشی میکنند؟ آیا این کار آنها "متمدنانه" است؟ و شما گاهی یک کلمه در "گفتمان" تان در این مورد نوشته اید؟ شما در جاهای دیگر از "غیرت افغانی" لاف میزنیدولی سکوت "بشردوستانه" تان "کوچکترین تبلوری از" غیرتمندی" دارد؟ آیا "غیرت شما" این قلدری رذیلانه امپریالیست های اشغالگر را میتواند ببلعد؟ شمائی که از حقوق بشر دم میزند و یک ودونگفته از گوشه وکنار اروپا در بن یا لاهه جمع میشود تا امپریالیست های اشغالگر را مشوره بدهید، چرا به آنها از "متمدن" بودن با اطفال وجنازه کشته شده ها چیزی نمیگوئید؟ چرا نمیگوئید که آلت تناسلی مخالفین شان را قطع نکنند و بر جنازه محاربین مخالف شان نشاشند؟ آیا در "حقوق بشر" شما "ناموس وشرف ملی" هم جائی دارند؟ آیا بخون وآتش کشیدن عروسیهای مردم مابر خلاف حقوق بشر شما هست یانه؟ اگر نیست که نباشد و اگر هست پس آیا شما گاهی در "گفتمان" تان آنرا محکوم کرده اید؟ استفاده از سلاح تخدیر و ترویج سیستماتیک تریاک استعمال کردن نزد شما مخالف حقوق بشر هست یانه؟ آیا شما از این جنایت خبر دارید یانه وحقوق بشر شما میتواندست در این مورد چیزی بگوید یا خیر؟ بمباران باکلا هک های یورانیم دیپلنت وانتشار مواد رادیواکتیف در شمال، شرق وجنوب افغانستان چطور؟ آیا "حقوق بشر" شما استفاده از یورانیم دیپلنت راجنایت ضد بشری میدانند یا نه؟ و آیا اینها "متمدنانه" هست؟ و میتوان آنها را با دادخواهی وعریضه نویسی حل کرد؟ در یک کلام؛ در کجای ایدئولوژی و طرز تفکر امپریالیزم این هیولای خونریز تاریخ بشر انسانیت وبشردوستی نهفته است که شما جوانان ناآگاه مملکت را باواژه های میان تهی "مدنیت گرایی وبشردوستی امپریالیزم" فریب میدید؟

میگوئید "لازم نیست در همه جاسیاست کرد؟" لطفاً بگوئید که "سیاست" چیست و شمادر کجا آنرا انجام نمی دهید؟ شمادر جاهای دیگر میگوئید که "سیاست آنست که حزب یاسازمانی وجود داشته و سرنگونی نظام حاکم رامطالبه کند". یعنی چیزهای کمتر از سرنگونی نظام حاکم که به واسطه حزبی یاسازمانی مطرح شود "سیاست" نیست! معلوم نیست که این کشف خارق العاده را چه نابغه ای انجام داده است؟ بر مبنای این کشف بزرگ! اگر کسانی تحت نام یک جمعیت بنام (اسم بی مسمی) نزد ظاهر شاه از هالندبه روم برونواز او بخواهد که نزد امپریالیستهای اشغالگر شفاعت شانرا بکند، سیاست نیست! یا اگر کسی با علی احمد جلالی خلوت کند و از او بخواهد که "برای منزله نگه داشتن رژیم (رژیم پوشالی کرزی)" باید دست "خلق" و پرچم را از رژیم کوتاه کند، سیاست نیست! و یا اگر کسی با عبدالله و حامد کرزی تماس برقرار کند و از آنها بخواهد که فلان اخوانی را بجای فلان خلقی و پرچمی حمایت کند، سیاست نیست! و اگر کسی به امپریالیستهای اشغالگر و دونه های انجوها از موضع یک تشکل به نام درزمینه انتخابات، اعمار نهر و کانالیزاسیون در هلمند و کندهار و ارزگان مشوره بدهد سیاست نیست! و به همینصورت مشوره دادن به فعالیتهای تجار تی بااروپا و امریکاسیاست نیست! این فارمول فارمل جادویی است! زیرا بر طبق آن فقط زمانیکه و از گونی نظام رامطالبه کنیم سیاست میشود! و اگر بجای حزب یاسازمان تحت نام "یک تشکل پناهندگان (که از نظر عینی وجود ندارد) ده هاروشنفرکر را برای پشتیبانی از اشغال افغانستان در بن یا لاهه بطلبیم سیاست نیست!

میگوئید که "میک تشکل سیاسی نیستیم"، اما آیا اطلاع رساندن به امپریالیستها و مشوره دادن آنها در مورد اینکه در افغانستان چه بکنند و چه نکنند چه فرقی میکند که تحت نام یک سازمان صورت بگیرد یا تحت نام یک تشکل به نام؟ اینکه یک سازمان نیستید به این دلیل است که شما قادر نیستید حتی در همان محدوده خدمت به امپریالیزم هم بین خودتان اتحاد نظر به وجود بیاورید. تسلیم طلبان میکوشند به مردم بگویند که "حقوق بشر" مافوق امپریالیزم و نظام سرمایداری است. و باجانیات امپریالیزم سرمایداری ربطی ندارد. در حالیکه اینها همه میدانند که در جامعه بشری هیچ حرکت فرهنگی، بشر دوستانه، ادبی، هنری و غیره مافوق منافع طبقات نیست و هرگز نمیتواند باشد. به همینصورت هیچکدام از آنها جدا از یکدیگر وجود نداشته و موجود قایم بالذات نیست. افراد میتوانند با صد زبان باواژه های بازی بنشینند ولی هر زبان آن مانند زبان دیگرش تلاش ناکامی است در جهت وارونه جلوه دادن حقیقت.

پایان فصل دوم 15 دسمبر 2015

آدرس مکاتبه با ما

P.O. Box 1

Station H

Montreal Quebec

H3G 2K5

CANADA

آدرس الکترونی ما

Shoresh2008@gmail.com

آدرس صفحه الکترونیک

www.shoresh.eu

